

احکام جزائی اسلام و مجازات گرسنگان

حکومت اسلامی طی ماههای اخیر رفته رفتهدار و وضعیت فوق العاده اعلام می کند. سه سال تلاش خاتمی و جناح او در حقنده کردن این وهم به مردم که حکومت اسلامی اصلاح شده و نیازهای آنان را پاسخ خواهد گفت، نقش برآب شده است. توده مردم در عمل به این نتیجه رسیده اند که جمهوری اسلامی در هر شکل اش، چه در راس قوه مجریه اش خامنه‌ای باشد، چه رفسنجانی و چه خاتمی مadam که جمهوری اسلامی است، جز سدی در مقابل تحقق مطالبات آنان نخواهد بود. اعتراضات کارگری، اعتراضات دانشجویی، حبس های زحمتکشان حاشیه شهرها، مبارزات زنان، همگی بیانگر عزم توده مردم ایران در دست یابی به مطالباتشان است. تراکم این مبارزات در ماههای اخیر نیز جز این تعبیر دیگری نمی پذیرد که کارگران، زحمتکشان و روشنفکران حصم اندیشه ای دست یابی به مطالباتشان، هر مانع و سدی را درهم شکنند. در جبهه مقابله توده مردم به جان آمده از ستم و استثمار تکیه زندگان بر قدرت و ثروت جامعه که موقعیت خود را در خطر می بینند، می خواهند به هرشکل ممکن توده تحریر شده و تحت ستم مردم را همچنان در اتفاقیان نگهارند چرا که شرط بقای آنان، اتفاقیان میلیونها انسان است که به غیرانسانی ترین شکل ممکن از حق برخورداری از موahب اولیه زندگی محروم شده اند و در منتهای فقر و بی حقوقی روزگار می گذرانند.

صفحه ۲

اجلاس سران حکومت اسلامی و ختم مسئله اصلاحات دولتی

در فردای ۲ خرداد ۱۳۷۶ هنگامی که خاتمی با آراء میلیونی اش برنده انتخابات اعلام شد، از هرسو غریبو پیروزی اصلاح طلبی تمدن و انسانیت بر بربیریت قرون وسطائی و دمکراتی و آزادی بر استبداد و اختناق بلند شد. توهم پراکنی پاسداران نظام اقتصادی اجتماعی موجود و عمله و اکره آنها در مورد ابعاد این پیروزی ونتایج آن چنان اوجی به خود گرفت که گوئی معجزه ای رخداده و توده مردم تنها با یک رای آری به خاتمی، سهل و ساده بدون انقلاب، بدون قیام و نبرد مسلحه، کمرارتجاع را درهم شکسته و از شر فجایع ۲۰ ساله حکومت اسلامی نجات یافته اند.

صفحه ۳

به کسی مربوط نیست!

رویدادهای دو هفته اخیر حاکی از تشدید جوخفقان و سرکوب است. این رویدادها در عین حال نشان دهنده پیشوای جناح مسلط حکومتی و عقب تر راندن جبهه دوم خرد است. دست اندکاران حکومتی، همه جا اعتراضات توده ای را به خاک و خون می کشند. عمل آشکار و نهان خود را به سراغ معتبرین می فرستند، دانشجویان را ضرب و شتم و بازداشت می کند، نویسندها و روزنامه نگاران را احضار و حبس می کنند، روزنامه ها و نشریات را تعطیل و توقیف می کنند و خلاصه دست به هر جنایتی میزنند و به هیچکس هم پاسخگو نیستند.

اول آبان محسن ازهای دادستان کل دادگاه ویژه روحانیت، در مصاحبه ای فاش ساخت که دستور احضار و بازداشت شمار دیگری از مدیران مسؤول نشريات صادر شده است.

صفحه ۲

۱۷

استیصال و بن بست جبهه دوم خرداد

بعد از آنکه ابراز امیدواری نمود که خاتمی آمادگی خود را برای نامزدی انتخابات ریاست جمهوری آینده اعلام کند، گفت "ما امیدوارهستیم، اماآخود خاتمی در این ارتباط رغبتی نشان نمی دهد" و اما در مورد اینکه چرا آقای خاتمی دیگر از خود رغبتی نشان نمی دهد می گوید "زیرا اگر وی بپذیرد که چهار سال دیگر هم ریاست جمهوری را به عهده بگیرد ممکن است موانع بر سر راه اجازه ندهد که به اهداف خود برسد و نزد موكلين خود پاسخگو نخواهد بود". همین آقای نبوی که عضو مرکزی به اصطلاح چپ ترین ائتلاف جبهه دوم خرد است، در برابر این سوال که چرا خاتمی نتوانست جلو زندان رفتن طرفداران خود را بگیرد و از روزنامه ها رفع توقیف کند می گوید "کسی که خود شعار احترام به قانون را طرح کرده است چگونه می تواند نقض قانون کند؟"! و بالاخره ایشان در ادامه

نظام "چه باشد" موقول نمود، افزایش یافته است. در این زمینه، از جمله می توان به سخنان بهزاد نبوی از اعضاء اصلی مجاهدین انقلاب اسلامی، عضو هیئت رئیسه مجلس وسخنگوی جبهه دوم خرد اشاره نمود. او که در جمع مردم شهرضا صحبت می کرد،

در این شماره

خبری از ایوان

خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان

صفحه ۶

احکام جزائی اسلام و مجازات گرسنگان

کاذب روی می آورد، 'شاید به قاچاق مواد مخدر کشیده شود'، 'اگر زن باشد به خود فروشی روی می آورد'، 'دزدی می کند و ...'. بدیهی است توده مردمی که از ۲۰ سال جور و ستم حکومت اسلام و عمله و اکره اش به تنگ آمده اند، حال که چیزی برای از دست دادن ندارند، دیگربی شرمی بسیجی و مامور امر به معروف و نهی ازنکر و دخالت آنها در خصوصی ترین جنبه های زندگی شان را تحمل نخواهند کرد. در مقابل بسیجی و نیروی سرکوب می ایستند، در صورت لزوم با آنها مقابله می کنند و در مواردی آنها را به قتل می رسانند.

روشن است مردم زحمتکشی که در بیغوله های اطراف شهرهای بزرگ روی هم تلبیار شده اند، وقتی می بینند که حتی آب آشامیدنی ندارند، 'جاده ندارند'، مدرسه و درمانگاه ندارند، دست به تظاهرات می زند و نسبت به نبود حداقل امکانات رفاهی اعتراض می کنند.

تردیدی نیست کارگرانی که وحشیانه استثمار می شوند، اما حقوق ماهانه شان هم پرداخت نمی شود، دست به اعتراض می زند، بعد تظاهرات می کند، 'جاده را می بندند'، کار خانه را اشغال می کنند و خواب و آرامش را از استثمارگران و دولت طبقاتی آنها سلب می کنند. احکام جزائی اسلام، هرچقدر که ضد بشری، ارجاعی و قساوت امیز باشد، و مجریان این احکام هرچه ددمنش و جناحتکار باشند، چگونه می توانند دهها میلیون زن و مرد، پیر و جوان و کودک و بزرگسال را که سالها لگد مال شده اند، از هستی ساقط گشته اند و اکنون عزم جرم کرده اند به این وضعیت پایان دهند، به تمکین وادارند؟ مگر در سال های گذشته احکام اسلام کم اجرا شده اند؟ مگر امثال لاجوری و حاج داود کم به احکام اسلام عمل کرده اند؟ و صدها و هزاران را به قتل نرسانده اند؟ مگر تاکنون کم چوبه های دار، تخت های زدن شلاق، بساط در آوردن چشم و قطع دست و پا برپا شده؟ مگر کم بوده اند که سنتگسار شده اند؟ نتیجه جز گسترش نفرت و روی گردانی از جمهوری اسلامی چه بوده است؟ احکام جزائی اسلام، دیگر مدت‌هاست که کارآئی اش را از دست داده است. اصرار بر اجرای احکام جزائی اسلام از قبیل سنتگسار، قطع دست و پا، در آوردن چشم و از این قبیل، در برابر ارتش کرستکان که به پا خاسته و همانند سیلی به راه افتاده است، مانعی ایجاد نمی‌کند، تنها عزم گرسنگان را در برکنند هرسد و مانعی استوارتر می سازد. ارتش گرسنگان، به راه افتاده است، لاشه متعفن حکومت اسلامی و قوانین اسلام را زیر پا لگ کوب می کند و به مارش ظفرمندش ادامه می دهد.

و هزینه آن را داده ایم ولی بهره لازم و شایسته را نگرفته ایم." در پایان این جلسه تصمیم‌گرفته شد بخشنامه های لازم در زمینه اجرای قصاص و احیای تشریفات آن تنظیم و به دادگستری ابلاغ شود.

یک ماه بعد، در اواسط مهرماه، حجت‌الاسلام هادی مروی معاون اول رئیس قوه قضائیه در جمع دانشجویان بسیجی، بر ضرورت دقیق و سریع احکام جزائی اسلام، 'بعنوان یکی از بهترین راههای پیشگیری از وقوع جرم "تاكیدکرد و گفت "برای ایجاد امنیت، سرعت در رسیدگی به پرونده های قضائی بسیار اهمیت دارد."

کسانی که رئیس قوه قضائیه و مرجعین تحت مسئولیت او، آنها را "اراذل و اوپاش"، "اشرار و بزهکاران" واژاین دست می‌نامند، چه کسانی هستند که سیاه‌پاسداران، بسیج، نیروهای انتظامی، وزارت اطلاعات و دهها مرکز سرکوب مستقیم و غیر مستقیم دیگر علیه آنها بسیج شده‌اند، اما بازقوه قضائیه ناگزیر می شود برای حفظ موقعیت رژیم، در مقابل آنها وضعیت فوق العاده اعلام کند، تدبیر ویژه بیانیشد، 'دادگاه های ویژه تشکیل دهد و چوبه دار و ساطور قطع دست و پا و وسائل درآوردن چشم از حدقه را که مدتی بود در پستوها پنهان کرده بود'، دوباره به خیابانها، به وسط میدانها، به محله ها، کارخانه ها بیاورد و آنان را "در ملاء عام و در محل انجام شرارت" مجازات کنند؟ ینهایچه کسانی هستند جز توهه تهیه شده اند و دهانه نیروی کارشان را می فروشنند، امادر عوض غذای شب شان، لباس تن فرزندانشان و سر پناه خانواده آنان تامین نمی شود، 'کودنشان در منتهای محرومیت، عدم بهداشت و درمان و بی بهره گی از آموزش، تقریح و بهداشت بزرگ می شوند.

اینها چه کسانی هستند جز کارگرانی که همان حقوق ناچیزشان هم قطع می شود، یا چندین ماه است حقوق نگرفته اند، یا یکسر اخراج شده اند و به حال خود رهایند؟ آیا اینها جز صدها هزار بیکارند که هیچ درآمدی برای تامین مایحتاج اولیه شان ندارند و به مشاغل کاذب روی می آورند، برخی به اعتماد کشیده می شوند و در گردداب مفاسد اجتماعی فرمی روند؟ ایمان، زنانی هستند که به یمن حکومت الله بربروی زمین، از حقوق انسانی خویش محروم شده‌اند، بهتان شب‌محتاب‌جند، فقر، گرسنگی، طلاق، فرار از خانه، خودکشی و خود فروشی به پدیدهای اشنازی زندگی آنان تبدیل شده است. بدیهی است میلیونها انسانی که بهاین شکل از هستی ساقط شده و در فقر و محرومیت و بی حقوقی به حال خود رها شده اند، بیکار نخواهند نشست. آنکه گرسنه است، برای سیر کردن شکم خود و فرزندانش، به مشاغل

چنین است که در کنار سایر ارگان های سرکوب مستقیم و غیر مستقیم، 'دستگاه قضائی جمهوری اسلامی نیز به مردم چنگ و دندان نشان می دهد. تازه ترین تصمیم گیری در این رابطه، تصمیم دادگستری استان فارس در همکاری با شورای تامین این استان است که روز یکشنبه ۸ آبانماه توسط رئیس کل دادگستری استان فارس اعلام شد. رئیس کل دادگستری ضمن اشاره به پاسخ مردم به زور گوئی های بسیج و سایر نیروهای سرکوبگر، و قتل چند تن از نیروهای نظامی رژیم در این استان، 'گفت براساس طرح تصویب شده' از این پس مجازات اراذل و اوپاش در ملاء عام و در محل انجام شرارت آنان به اجرا درخواهد آمد". وی در ادامه افزود "در مورد سارقان نیز مجازات آنان شامل قطع دست و انگشتان) در ملاء عام انجام خواهد شد تا برای دیگر مجرمان عبرتی باشد". وی همچنین خبرداد ده هر یک از مجتمع های قضائی شیراز یک شعبه دادگاه ویژه رسیدگی به پرونده "اراذل و اوپاش" تشكیل خواهد شد که فقط به جرائم این افراد رسیدگی می کند . تصمیم دادگستری استان فارس در تشدید مجازات کسانی که رئیس دادگستری آنها را وقیحانه "اراذل و اوپاش" می نامد، حلقه ای از زنجیر تشدید سرکوب و اجرای مجازات قصاص است که اخیرا با گسترش فقر، بیکاری و مصائب اجتماعی از یکسوس و تشید اعراض و مبارزه توده ای از سوی دیگر در دستور کار قوه قضائیه قرار گرفته است. حاکمان اسلامی جامعه را چنان به فقر، بیکاری، بی حقوقی سیاسی و اجتماعی، و عواب آن از جمله اعتیاد، فحشاء و دهها معطل اجتماعی دیگر سوق داده اند که خود احساس نامنی می کنند. شبح "اراذل و بزهکاران" ایمانی می کنند. یک آن از خاطر اینان که میلیونها انسان را به ورطه نیستی و بی حقوقی سوق داده اند تا اینانها خود را بیشتر پرکنند، زدوده نمی شود. از همین رو برای حفظ موقعیت اقتصادی و سیاسی خود، چاره را در اجرای شدیدتر قصاص اسلامی و احکام جزائی اسلام دیده اند. در شهریور ماه، رئیس قوه قضائیه در جمع مسؤولان عالی قضائی دادگستری از عدم اجرای مجازات قصاص انتقاد کرد و گفت: "متاسفانه اشاره و بزهکاران جسوس شده اند و امنیت شهروندان را به خطر انداخته اند. باید در این زمینه مسؤولان امنیت کشور فکری جدی کنند". وی در ادامه راه حل خود را ارائه داد و گفت: "لازم است از روایات و متون فقهی آداب اجرای حد و قصاص استخراج شود و تشریفات رسیدگی به قتل و اجرای قصاص برآن اساس سامان یابد، متاسفانه ما شعار لایحه قصاص

جدائی دین از دولت، جدائی جدائی ناپذیر از آزادیهای سیاسی است

اجلاس سران حکومت اسلامی و ختم مسئله اصلاحات دولتی

" درحالی که توسعه اقتصادی اجتماعی در مرحله نخست توده مردم را در بر می گیرد و در کنار آن نخبگان هم از توسعه اقتصادی و اجتماعی بهره مند می شوند ". و بعد هم نتیجه گرفت که "اگر وضع معیشتی مردم به گونه ای باشد که همه دچار مشکل باشند، توسعه سیاسی نمی تواند تضمین شده و پایدار باشد." این همان استدلالی است که خامنه ای مخالف هرگونه اصلاحات از آغاز می کرد. آقای نبوی، سخنگوی چپ ارتیاج هم بهزبانی دیگر همان حرشهای جناح راست ارتیاج را می زند و می گوید بحث توسعه سیاسی، مسئله حاکمیت و آزادی ها مربوط به نخبگان است و نه توده مردم. آنها در پی مسائل معیشتی خود هستند و چون وضع معیشتی مردم خراب است و این خرابی وضع ممکن است به جانی بیانجامد که توسعه سیاسی مختص نخبگان و خبرگان را برهمنم بزند، پس باید تقدم توسعه اقتصادی را پذیرفت. به راستی که ارتیاج، ارتیاج است. جناح چپ آن باشد یا راست آن، بخورد آنها به توده مردم واحد است. توده های مردمی که تنها در طول نیم قرن دو انقلاب و چندین جنبش عظیم اجتماعی به خاطر آزادی، دمکراسی، برابری و ایجاد یک جامعه حقیقت انسانی داشته اند، علاوه نشان داده اند که بیش از تمام "نخبگان و روش فکران و اصحاب فکر و اندیشه و فرهنگ" به خاطر آزادی و دمکراسی و برابری تلاش کرده اند. هم اکنون نیز بیش از همه این توده زحمتکش مردم و در راس آنها طبقه کارگر است که از نبود آزادی رنج می برد.

این واقعیتی مسلم است که اگر طبقه کارگر ایران همچنان از آزادیهای سیاسی محروم باشد . نتواند آزادانه حرف خود را بزند، نتواند تشکل های صنفی و سیاسی خود را ایجاد نماید و از حق اعتراض برخوردار نباشد، نمی تواند یک بهبود و لوله محدود در وضعیت معیشتی خود پیدا آورد. و خاتمه روز افزون شرایط مادی و معیشتی طبقه کارگر در طول ۲۰ سال گذشته که اختناق و دیکتاتوری عربیان حاکم بوده است، گویای همین واقعیت است.

سه سال تمام، دو خدادادی ها در روزنامه ها و سخنرانی های خود در برابر جناح رقبب که برای نفی هرگونه اصلاح و لوله اصلاحات ناجیز خاتمی بر تقدم سیاست برآقتصاد تاکید می کرد، در وصف تقدم سیاست برآقتصاد سخنگفتند. آنها می گفتند که هر بهبودی در اوضاع اقتصادی منوط و مشروط به اصلاحات سیاسی و فرهنگی است. اما حالا که در برابر جناح رقبب تسلیم شده اند، ارجایف تحويل مردم می دهند. آنها اکنون به همراه رقبای دیروزشان می خواهند در یک جبهه " برای

در صفحه ۷

مخالف اند، گفتند که باید این اصلاحات کنار گذاشته شود و به جای آن به مسائل اقتصادی پرداخته شود . آنها در واقع با پیش کشیدن مسئله اقتصاد، مخالفت خود را با هرگونه اصلاحات ولو ناجیز سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ابراز داشتند. حالاً اقای خاتمی و کروبی به نمایندگی از " اصلاح طلبان حکومتی" در اجلاس فوق از ادعاهای خود نزدیک شدند می شویند و برموضع خامنه ای مهتر تأیید می زنند. سران رژیم در این اجلاس تصمیم گرفتند که " سه محور فقر، فساد و تبعیض در اولویت اصلاحات قرار گیرد" و " قوای سه گانه به ویژه قوای مجریه و قضائیه با استفاده از دیدگاهها و نظریات کارشناسان برای رفع فقر، فساد و تبعیض در جامعه و کلیه دستگاه های حکومتی و نهادها و ارگانهای غیر دولتی برنامه ای مناسب، قاطع، همه جانبه و عملی تدوین و اجرا نمایند".

مردم ایران با مبارزات خود به ویژه در چند سال اخیر نشان داده اند که مقدم بر هرچیز نظام سیاسی موجود را که تجسم حاکمیت ارتیاج، سرکوب، ستمگری، اختناق و بی حقوقی است نمی خواهند. مردم ایران نیک می دانند که شرط مقدماتی "رفع فقر، فساد و تبعیض" دیگرگوئی روبنای سیاسی موجود نمودند . اما دیگر گوش شنوازی وجود نداشت و اگر اندک توهیمی هم به "اصلاحات" خردادری دوباره شیپورهای تبلیغاتی خود را به صدا در آورند. مردم را به آرامش فراخواندند و اصلاحات موعود را به پیروزی "اصلاح طلبان" در انتخابات مجلس موقول نمودند . اما دیگر گوش شنوازی وجود نداشت و اگر اندک توهیمی هم به "اصلاحات" مجلس وجود داشت، هنگامی که اکثریت دو خردادری آن، کروبی یکی از سخنرانی ترین مرجعین محافظه کار را به عنوان سمبول پیروزی "اصلاح طلبان" به ریاست مجلس برگزید، دیگر همه فهمیدند که از این امام زاده هم معجزه ای ساخته نیست. عملکرد چند ماهه مجلس ارتیاج نیز بر همین واقعیت صحه گذاشت. در اینجا بود که ته مانده توهیمات نیز فروریخت و توأم با آن بازی "اصلاحات" به پایان رسید . اکنون زمان آن فرا رسیده بود که سران "اصلاح طلب" خود، رسمآختم "اصلاحات" دولتی را اعلام کنند. چنین بود که در آخرین روزهای مهرماه ۱۳۷۹، سران قوای مقننه، مجریه و قضائیه به همراه رئیس مجمع تشخیص مصلحت در حضور ولی فقیه اجلاسی تشکیل دادند تا تکلیف مسئله اصلاحات را روشن کنند.

گزارش کوتاهی که از این اجلاس در روزنامه های دولتی انتشار یافته حاکیست که جناح موسوم به "اصلاح طلب" در بست موضع خامنه ای را در برخورد به مسئله "اصلاحات" پذیرفت. این واقعیت راهنمکان می دانند که وقتی گروههای دو خدادادی مسئله اصلاحات سیاسی و فرهنگی را مطرح کردند، خامنه ای و جناح او که با هرگونه اصلاحاتی

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتراض عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برآند اخ

خانه نساجی طبرستان را تعطیل کردند و با پرداخت مبلغی تحت عنوان مقری بیمه بیکاری، به کارگران وعده داده شد که کارخانه بازسازی شده و کارگران مجدداً به سر کار خود باز خواهند گشت. بعد از گذشت نزدیک به دو سال هنوز که هنوز است این وعده عملی نشده است و ۲۰۰۰ کارگر این کارخانه همچنان در بلاتکلیفی بسر می‌برند. در کارخانه نساجی ولکدر قائم شهر نیز بیش از ۱۰۰۰ کارگر بلاتکلیف مانده و بیشتر از دو ماه است که به آنان هیچگونه حقوقی پرداخت نشده است. در این تجمع اعتراضی، کارگران خواستار پرداخت حقوق های عقب افتاده و نیز تضمین شغلی خود شدند.

تجمع کارگران شهرک اندیشه

گروهی از کارگران ساکن شهرک اندیشه روز ۲۶ مهرماه در اعتراض به عملکرد اتحادیه امکان در مقابل دفتر آن در تهران اجتماع نمودند و دست به تظاهرات زدند. عملکرد اتحادیه امکان باعث تحمیل هزینه های سنگینی به کارگران شده است. اتحادیه امکان متوجه شده بود که واحدهای مسکونی را در فروردین ۷۵ به کارگران تحويل دهد، اما با سه سال تاخیر واحدهای مسکونی را به صورت ناقص واگذار نمود. این تاخیر موجب شد که ۸ میلیون و ۴۰۰ هزار ریال به عنوان جریمه دیرکرد توسط بانک به وام هر یک از اعضا افزوده شود. بهره بانکی وام به ۲۰/۵ درصد و اقساط ماهانه اعضاء به ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان افزایش یافتند. اکنون کارگران قادر به پرداخت این اقساط نیستند.

رحمتکشان شهرک پردیس جاده آبعلی را بستند

مردم زحمتکش شهرک پردیس که همانند بسیاری از شهرهای دیگر از داشتن ابتدائی ترین امکانات معیشتی، بهداشتی و فرهنگی محروم اند و حتی با مشکل آب آشامیدنی رو برو هستند، در اواخر مهرماه جاده تهران - رودهن را به مدت ۲ ساعت مسدود نمودند. وسط جاده تمحص کردند و از مسئولین دولتی خواستند که در محل حضور یابند و پاسخ مطالبات آنها را بدنهند. نیروهای مسلح رژیم در محل حضور یافتند و پس از قولی که مسئولان دولتی برای رسیدگی به خواست هایشان دادند متفرق شدند.

کارفرما حقوق کارگران را نمی‌دهد
بیشتر از دو ماه است که به کارگران فلیپا

اعتراض کارگران شرکت ملی حفاری

تعداد کثیری از کارگران شرکت ملی حفاری نفت ایران که خبرگزاریها تعداد آنها را در نخستین روز اعتراض ۸۰۰ تن اعلام نمودند، با اعتراض 'تحصن' تظاهرات و بستن جاده ها مخالفت خود را با طرح خصوصی سازی این شرکت ابراز داشتند. روز پنجم مهر، وزیر نفت طی نامه‌ای به رئیس صندوق بازنیستگی صنعت نفت، با واگذاری این شرکت و فروش صدرصد سهام آن موافقت نمود. کارگران شرکت ملی حفاری به محض اطلاع از این طرح در یافتنند که واگذاری این شرکت به صندوق بازنیستگی مقدمه ای برای فروش آن به بخش خصوصی بویژه انحصارات نفتی بین المللی است. کارگران از مدتی پیش شنیده بودند که انحصارات نفتی شل و توtal شرط ادامه فعالیت خود را نحلال این شرکت اعلام کرده بودند. بنابراین کارگران با آگاهی از اهداف وزارت نفت در برایر طرح خصوصی سازی ایستادند. مقامات وزارت نفت در آغاز توجهی به اعتراض کارگران نکردند. اما ادامه اعتراض و گسترش آن به دکل های عملیاتی و حمایت کارگران بخش های دیگر صنعت نفت، موجب شد که وزارت نفت عقب نشینی کند و الغاء طرح را اعلام نماید. وزیر نفت که قبلاً طی نامه ای از واگذاری شرکت ملی حفاری حمایت کرده بود، اعلام کرد که "اینجانب با انجام هرگونه اقدامی در شرکت ملی حفاری که کارکنان شریف و رحمتکش آن شرکت با آن موافق نباشد، مخالفم". کارگران با مبارزه خود پیروز شدند.

اعتراض کارگران پاکریسان تبریز

سرکار بازگردند. علاوه بر نماینده کارفرما و نماینده فرمانداری، فرد دیگری که نام نماینده "جامعه کارگری" را با خود یدک می‌کشید، اصرار داشت که کارگران این وعده ها را باور نکند و به اعتراض پایان دهند، اما کارگران به حرف هیچکی از آنها اعتنای نکرده و بر مطالبات خود پایی فشردند و خواستار دریافت ۴ ماه حقوق عقب افتاده خود شدند. آخرین خبر حاکی از آن است که برخی از نمایندگان کارگران اعتصابی برای پیگیری مطالبات کارگران به تهران اعزام شدند و روز سه شنبه ۱۹ مهر و بعد از آنکه به آنان در حضور هیئت مدیره صندوق حمایت از کارگران کشور، محجوب دبیرکل خانه کارگر، صادقی رئیس کانون عالی هماهنگی شورای اسلامی و کارفرمای شرکت که قبلاً از حضور در جمع کارگران امتناع می‌کرد، قول داده شد که به مشکلات کارگران رسیدگی شود و بلا فاصله دو ماه حقوق عقب افتاده کارگران پرداخت گردد، کارگران نیز به اعتساب خود پایان داده و به سر کار بازگشتهند.

اعتصاب کارگران فرش بیستون

کارگران فرش بیستون در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود، دست به اعتتصاب زدند. شایان ذکر است که این کارخانه وابسته به بانک صنعت و معدن است. کارفرمای این کارخانه، ماه هاست که کارگران را در حالت بلاتکلیفی نگاهداشته و از پرداخت به موقع حقوق ۶۰۰ کارگر این کارخانه سر باز می‌زند. آخرین خبر حاکی از آن است که در پی نشستی که با حضور نمایندگان دولت، کارگران برگزار شد، اصطلاح نمایندگان کارگران رسیدگی مقرر گردید به مشکلات کارگران رسیدگی شود و حقوق های عقب افتاده نیز پرداخت گردد. به دنبال آن کارگران نیز به اعتصاب خود پایان دادند و روز هفدهم مهر به سر کار باز گشتهند.

تجمع اعتراضی کارگران نساجی قائم شهر

بیش از ۵۰۰ تن از کارگران کارخانجات نساجی طبرستان و ولکدر قائم شهر، در اعتراض به وضعیت شغلی و حقوقی خود در برابر فرمانداری شهرستان دست به تجمع زدند. شایان ذکر است که در حدود یکسال و نیم پیش، به بهانه تغییر ساختار، کار

کارگران شرکت رسیدگی پاکریس، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خویش، دست از کارکشیدند. کارفرمای این کارخانه که وعده داده بود در حضور فرماندار شهر تبریز در محل شرکت، به مشکل کارگران رسیدگی شود، خود از حضور در محل امتناع کرد. در حالیکه بدھی شرکت به کارگران تا اول مهرماه بیش از ۲۳۰ میلیون ریال بوده است، نماینده اعزامی کارفرما، می خواست با اختصاص کمتر از یکدهم این مبلغ و با دادن ۲۰ هزار تومان به هر کارگر به صورت علی الحساب به اضافه مشتی و عده و عید، کارگران را به سر کار بازگرداند. اما کارگران که تجربه و عده های پیشین را داشتند به حرfovهای نماینده کار فرما اعتماد نکرده و حاضر نشدنند به

انقلاب سوسیالیستی اکتبر همچنان الهام بخش ماست

و دستگاه دولتی بورژوازی قرار داشت. این قدرت از حمایت احزاب سوسیال رفرمیست مشویک و اس ار نیز برخوردار بود. این دوران که برغم افت و خیزهایش تا اکتبر به درازا کشید، دوران حادترین مبارزه و کشمکش میان بورژوازی و پرولتاریا برای ایجاد قدرت واحد بود. بورژوازی روسیه تمام نیروی خود را برای برآذاختن قدرت کارگری بسیج کرده بود. اما همانا وجود شوراهای (برغم این که تا مقطعی اکثربت آنها از سیاست احزاب منشویک و اس ار پیروی می کردند) وجود کمیته های کارخانه و کنترل تولید، وجود میلیشیای کارگری و گارد سرخ و بالاخره وجود یک حزب بشلویک که پیگیرانه از منافع کارگران و انقلاب سوسیالیستی دفاع میکرد، مانع از آن شد که بورژوازی قدرت کارگری را درهم بکوبدو سلطه یک پارچه خود را برقرار سازد. طبقه کارگر نیز نمی توانست در جا بزند و قدرت بورژوازی را در کنار قدرت کارگری تحمل کند. طبقه کارگر که در این دوران به نحو روز افزونی به منافع طبقاتی خود آگاه شده بود و خود را در تشکل های سیاسی و صنفی خویش متشکل ساخته بود، برای برپائی انقلاب سوسیالیستی آماده شده بود. سرانجام لحظه مناسب برای برهمن زدن توازن قوا به نفع پرولتاریا فرارسید. پرولتاریای روسیه تحت رهبری حزب بشلویک با یک قیام سازمان یافته، بورژوازی راسنگون کرد و پرچم انقلاب سوسیالیستی را به اهتزاز درآورد. انقلاب کارگری روسیه از همان آغاز موجوبیت اش بر دو درس بزرگ در جنبش کارگری صحه گذاشت. انقلاب کارگری روسیه یکبار دیگر این حقیقت را نشان داد که طبقه کارگر تنها از طریق قیام مسلحانه و انقلاب می تواند بورژوازی را سرنگون کند و قدرت سیاسی را بدست بگیرد. این انقلاب همچنین همانند کمون پاریس نشان داد که طبقه کارگر نمی تواند با وجود ماشین دولتی بورژوازی اقتدار طبقاتی خود را اعمال کند و به اهداف طبقاتی خود جامه عمل پوشد، لذا این دستگاه دولتی کهنه را تماما درهم شکست و یک دستگاه دولتی جدید به نام دولت شوراهای ایجاد نمود.

انقلاب سوسیالیستی اکتبر دگرگونی های عظیمی را در مقیاس جهانی پدید آورد و چشم انداز های نوینی را برای پیروزیهای آتی طبقه کارگر گشود. برغم این که انقلاب سوسیالیستی اکتبر درنتیجه یکرشته موانع داخلی و بین المللی نتوانست به اهداف خود جامه عمل پوشد و با شکست روپرور گردید، اما راه این انقلاب و اهداف آن همچنان الهام بخش میلیونها انسانی است که در سراسر جهان برای سرنگونی نظام سرمایه داری و برقراری یک نظام کمونیستی مبارزه می کنند.

خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان

حدود ۱۵۰۰ تن از کارگران کارخانه رسیندگی و بازندگی سیمین اصفهان از روز سه شنبه ۲۶ مهرماه دست به تحصن و اعتراض زدند. در اطلاعیه ای که سازمان در این رابطه انتشار داد گفته شده است که یک سال است حقوق و مزایای کارگران پرداخت نشده است. کارگران در طول یک سال گذشته در چندین مورد دست به اعتراض زدند، به استاندار، فرماندار، اداره کار نامه نوشتند اما جوابی نشینیدند. لذا کارگران با بستن خیابان و تحصن و اعتراض می خواهند سرمایه داران و دولت آنها را وادارند که به مطالباتشان پاسخ مثبت دهند.

اعتراضات دانشجوئی

در اعتراض به کیفیت و کمیت نامطلوب غذا و عدم رعایت بهداشت، همچنین در اعتراض به رفتار نامناسب مسئولین سلف سروپیس، شمار زیادی از دانشجویان دانشکده برق و صنایع دانشگاه صنعتی خواجه نصیر، در سالن غذای این دانشکده دست به اعتضاب غذا زدند.

بیش از ۱۵۰ تن از دانشجویان و فارغ التحصیلان آموزشکده کشاورزی کرج در اعتراض به نا روش بودن آینده شغلی و عدم استخدام خود، در محوطه روپروری وزارت کشاورزی دست به تجمع و تحصن زدند و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند.

چند خبر کوتاه

* بنا به گزارش کار و کارگر، در دو سال اخیر ۱۷ کارخانه تولید قند در لرستان تعطیل شده که این موضوع بیکاری بیش از ۳۰ کارگر را در پی داشته است.

* کارگران شرکت فرآورده های ساختمانی (فراسا) در نامه ای که برای مسئولین حکومتی فرستادند، نسبت به تعطیلی این شرکت و بیکاری ۴۵، کارگر آن هشدار دادند و خواستار آن شدند که از انحلال این شرکت جلوگیری شود.

* دبیر اجرائی خانه کارگر آذربایجان غربی گفت علیرغم گذشت هفت ماه از قرار دادمشترک وزارت کار و تامین اجتماعی در خصوص پرداخت مقررات بیمه بیکاری به کارگران بیکار، بیش از ۲۰۰۰ تن از کارگران واجد شرایط دراین استان در انتظار دریافت این مقررات هستند ولی پرونده آنها در شعبات مختلف تامین اجتماعی بلا تکلیف مانده است.

خبر از ایران

هیچگونه حقوقی پرداخت نشده است. به گفته یکی از کارگران این کارخانه، با وجود آنکه تولید کارخانه نسبت به سال گذشته سه برابر شده است، اما کارفرما از پرداخت حقوق ۱۵۰ کارگر این کارخانه همچنان طفره می رود.

شباب غرب در آستانه تعطیلی

شباب غرب در آستانه تعطیلی و ۲۰۰ کارگر این کارخانه در معرض بیکاری اند. هم اکنون بیش از سه ماه است که به کارگران این کارخانه هیچگونه حقوقی پرداخت نشده و کارگران را در حالت بلا تکلیفی نگاهداشته اند. اخیرا طبق رای صادره از طرف هیئت تشخیص اداره کل کارواموراجتماعی استان کرمانشاه، مقرر شد این واحد نسبت به پرداخت دوماه حقوق موقه کارگران اقدام کند. قابل ذکر است که این شرکت که تولید کننده رنگ و لوله است وابسته به شرکت غدیر (تهران) می باشد که از چند ماه پیش به صورت راک درآمده است و تحصن و تجمع اعتراضی کارگران کارخانه برای راه اندازی و جلوگیری از تعطیل آن به نتیجه نرسیده است. کارگران این شرکت خواستار ادامه کاری کارخانه و ضمانت شغلی خود هستند.

اجتماع بیکاران آموزشکده فنی و حرفه ای جنوب در برابر وزارت نفت

گروهی از دانش آموختگان آموزشکده های فنی و حرفه ای مناطق نفت جموب که پس از ۶ سال از پایان دروه آموشگاه همچنان بیکار و بلا تکلیف مانده اند، در مقابل وزارت کار دست به تحصن زدند و خواهان استخدام رسمی شدند. متحصلین که از شهرهای اهواز، مسجد سلیمان، گچساران و آگاهاری آمده بودند خواهان آن بودند که به وعده و وعید پایان داده شود و به استخدام در صنعت نفت در آیند.

جمع اعتراضی کارگران و کارکنان دانشگاه

جمع زیادی از کارگران و کارکنان شاغل در دانشگاه پژوهشکی ایلام در مقابل استانداری این شهر، دست به تجمع اعتراضی زدند. اعتراض کنندگان با تذکر این نکته که این دانشگاه از سال ۷۶ ملزم به اجرای طرح طبقه بندی مشاغل کارگران بوده است، خواستار آن شدند که احکام حقوقی آنها مطابق با طرح طبقه بندی مشاغل صادر شود.

استیصال و بن بست جبهه دوم خرداد

مزید بر همه این ها جناح خامنه‌ای نیز از مدت‌ها قبل کوشیده است تا وی را از حضور مجدد در این عرصه بازدارد و او را به "بازگشت" به حوزه "درس و بحث" تشویق نموده است. بعضی از رسالتی‌ها از خاتمی خواسته اند تا بجای "سیاست ماندن و همیشه در سطح ماندن" به شیوه "ماندلا" عمل کند و مدام که هنوز "محبوبیت" دارد از سیاست کنار بکشد و همچنان "محبوب" بماند!

خاتمی که قبلاً هم گفته است با رفتان یک فرد مسائل حل نمی‌شود و در واقع بدین ترتیب راه رفتن و کناره‌گیری خود را باز کرده است، اما اصلاً بعيد نیست که با سازش‌ها و زدویندهایی در بالا به انگیزه حفظ و مصلحت نظام همچنان در صحنه بماند. خاتمی اگر بخواهد وفاداری تمام و تمام خود را به نظام اثبات کند همانطور که تا کنون هم به اثبات رسانده است، و در عین حال آنطور که مشوقین‌اش می‌خواهند در صحنه سیاسی هم بماند، راه دیگری ندارد جز آنکه پرسوه عقب نشینی خود در برابر جناح مقابل را تکمیل کند و قبل از هرچیز پیکر "اصلاحات" خود را به لباس زیندهایی که ولی‌فقیه برای آن دوخته است بپاراید. وقتی که اصلاحات در چارچوب نظام و قانون اساسی باشد، وقتی که اصلاحات اسلامی باشد و تشخیص اسلامی بودن آن هم با ولی‌فقیه باشد، در این صورت حضور خاتمی هم "غنیمتی" است که جناح مقابل آن را به فال نیک می‌گیرد. در این صورت دیگر کسی دنبال ثبت سند اصلاحات بنام خود نیست. خاتمی می‌تواند مجری این اصلاحات باشد و پرچمی را که ولی‌فقیه به دست وی سپرده است، در انتزار نگاه دارد. اصل آن است که این اصلاحات اسلامی اجرا شود، اینکه چه کسی مجری آن است، این دیگر فاقد اهمیت است. بیهوده نیست که روزنامه رسالت هم چندی پیش در همین رابطه و خطاب به سران جبهه دوم خرداد جمله معروف دن شیائوپینگ را نقل کرد که "سیاه یا سفید بودن گربه مهم نیست، مهم آن است که بتواند موش بگیرد" آقای خاتمی رئیس جمهور حکومت اسلامی که هم اکنون به یک نیمه رفسنجانی تبدیل شده است، برسر یک دوراهی قرار گرفته است. یاباید فاتحه کاراجرأی را بخواندو به همان گوشه دنچ کتابخانه ملی بازگردد، یا با صدای بلند فاتحه اصلاحات را بخواند و به یک رفسنجانی کامل گذر کند.

خاتمی برسر دوراهی

شرایط خود ویژه‌ای که خاتمی برمن آن و با دادن مشتی و عده ووعید به ریاست جمهوری رسید با شرایطی که امروز خاتمی در برابر خود می‌بیند، لاقل از یک جنبه بسیار متفاوت است. با عده و عید شاید بتوان تode مردم را تا مدتی فریب داد و یا در حال انتظار نگاهداشت، اما مردم سرانجام از روی عملکرد افراد و جریانها در مورد آنان قضاوت خواهند کرد. خاتمی اگر چه در یک فضای مه آلودی توانست آراء بخشی از مردم را که در مخالفت با کاندیدای ولی‌فقیه، به وی رای داده بودند، به دست آورد؛ اما این مسئله برکسی پوشیده نماند که او هم یکی از افراد همین دستگاه حکومتی بود که همواره از حکومت دینی دفاع نموده و در جریان حوادث و رویدادهای مهم سیاسی در سراسر دوران ریاست جمهوری خود، همواره جانب همان ولی‌فقیه را گرفته است. این حقایق امروز برکسی پوشیده نمانده است و مردم رحمتش ایران از روی میزان سرکوب و خفگانی که بر جامعه حکم‌فرماست و از روی فشارهای اقتصادی موجود و گسترش ابعاد بیکاری، گرانی، فقر و اعتماد و امثال آن، در مورد ایشان و برنامه‌های او قضاوت می‌کند. مشکل آقای خاتمی اکنون این است که اولاً اصلاحات جزئی و آبکی خود در چارچوب نظام را هم نتوانسته و نمی‌تواند عملی کند و بنابراین باحربه زنگ زده و عدهای توخالی نیز دیگر نمی‌تواند کسی را فریب دهد، خصوصاً آنکه بطلان این فکر که در گذشته طرفداران خاتمی تبلیغات زیادی پیرامون آن برای انداخته بودند، یعنی از طریق کسب اکثریت مجلس و وضع قوانین بتوان قانوناً اقداماتی در این چارچوب به عمل آورد نیز، به اثبات رسیده است. ثانیاً آش‌اصلاحات آنقدر شورده است که درمیان طرفداران وی هم "فاصله گرفتن اصلاحات از هدف هایش" مورد سؤال واقع می‌شود و در محافل مطبوعاتی و دانشجویی از اصلاحات یخ زده و "رکود مجلس اصلاحات" و امثال آن سخن می‌رود. تا آنجا که عباس عبدی یکی از طرفداران پر و پا قرص اصلاحات در چارچوب قوانین موجود در زمینه کاندیداتوری خاتمی‌چنین اظهارنظر می‌کند "با شرایط کنونی اصلاحات خاتمی کاندیدا نمی‌شود و نباید هم بشود" مگر آنکه کوششی برای تغییر‌شرایط صورت‌گیرد...

ضمن اعتراف به مشکلات زیادی که برسر راه خاتمی وجود دارد، کنار کشیدن وی را به "صلاح‌انقلاب" نمیداند و می‌گوید "من گزینه‌ای که بتواند جانشین او باشد نمی‌شناسم"! نمونه دیگر سخنان عباس عبدی عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت و عضو شورای سر-دبیری روزنامه تعطیل شده "مشارکت" است. او که با عنوان "نقد جنبش اصلاح طلبی" در جمع دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی صحبت می‌کرد، از دانشجویان خواست تا با تلفیق انتقاد و اعتماد، از به سراشیبی افتادن حرکت اصلاحی که منجر به سقوط نهائی می‌شود جلوگیری کند. او گفت "هر چه می‌توانید علیه "رهبری اصلاح" انتقاد مطرح کنید ولی اعتماد خود را ازدست ندهید" آقای عبدی همچنین در رابطه با رویدادهای سیاسی اخیر و اقدامات دادگاه های حکومتی، بار دیگر بر اجرای قانون تاکید کرد و گفت "ماخواهان اجرای قانون اساسی هستیم، ممکن است عده ای بگویند این قانون اساسی یعنی اینکه ولايت فقیه مسؤولیت همه چیز را بر عهده دارد، ما می‌گوئیم عیی ندارد!"

این سخنان به بهترین نحوی عمق استیصال و بن بستی را که جبهه دوم خرداد آشکار می‌سازد. از یکسو رهبر "اصلاح‌طیبان حکومتی" بهاین که بخواهد چهارسال دیگر در جایگاه فعلی اش بماند، رغبتی نشان نمی‌دهد. چرا که هم خودش و هم مشوقین‌اش می‌دانند که در چارچوب قوانین و مقررات موجود حتی اصلاحات ایکی وی هم عملی نیست و رئیس قوه مجریه حتی چنانچه اکثریت مجلس را هم در دست داشته باشد قادر به انجام کاری نیست و مترسکی بیش خواهد بود، از سوی دیگر و علی رغم این موضوع همین مشوقین "اصلاح طلب" هیچگونه انتخاب و چاره دیگری ندارند جز آنکه برگردن همین مترسک که رهبر اصلاحات است دخیل بندند. گزینش از روی استیصال جبهه دوم خرداد اما دلیل اساسی تر و مهم تری دارد. اصل این است که جبهه دوم خرداد از تراکم نا-رضایتی توده‌ای و بی‌پاسخ ماندن مطالبات و انتظارات آنها و از جنبش‌های اعتراضی که در پائین شکل گرفته است و دارد شکل می‌گیرد تا به صورت یک انفجار اجتماعی سربازکند، به شدت هراس دارد. این جبهه براین خیال است که خاتمی هنوز می‌تواند وسیله مهار این جنبشها و انفجارهاش و این زاویه‌است که کنار کشیدن وی رابه صلاح "انقلاب" و حکومت نمی‌داند.

جدائی دین از دولت، جزئی جدائی ناپذیر از آزادیهای سیاسی است

تظاهرات فعالین سازمان در استکمل

به دعوت فعالین سازمان در سوئد، روز شنبه ۷ آبان تظاهراتی در مرکز شهر استکمل در حمایت از مبارزات و اعتراضات کارگران و زحمتکشان، مردم شهرها و دانشجویان مستقل از جناحهای حکومتی برگزار شد. برغم اینکه باران شدیدی می‌بارید بیش از ۶۰ تن در این تظاهرات شرکت کردند. آزادی زندانیان سیاسی، محکومیت جمهوری اسلامی توسط مراجعین الملحق و دولت سوئد، اعلام ایران به عنوان کشور نامن و رسیدگی به پرونده پناهجویان ایرانی از جمله خواستهای این تظاهرات بودند. در قطعنامه تظاهرات از جمله گفته شده است: ما حمایت خود را از مبارزات مردم ایران برای سرنگونی کلیت رژیم جمهوری اسلامی و تحقق مطالبات کارگران و زحمتکشان اعلام می‌داریم.

اجلاس سران حکومت اسلامی و ختم مسئله اصلاحات دولتی

رفع فقر، فساد و تبعیض" تلاش کنند و چه کسی ست که نداند این یعنی کنار گذاشتن حتی ادعای اصلاحات. هر انسان اندک آگاهی می‌داند که "فقر، فساد و تبعیض" ذاتی نظام طبقاتی سرمایه داریست و با وجود این نظام کسی نمی‌تواند رفع فقر، فساد و تبعیض سخن بگوید. این واقعیت را نه فقط در عقب مانده ترین بلکه در پیشرفت ترین کشورهای سرمایه داری می‌توان دید. نمونه مجسم آن آمریکاست که در اوج پیشرفت و توسعه اقتصادی و ثروت‌های سربه فلک کشیده، فقر، فساد و تبعیض در اوج خود وجود دارد. مدام که نظام سرمایه داری وجود دارد، فقر، فساد و تبعیض نیز همواره وجود خواهد داشت. مادامکه حکومت مذهبی، اختناق و استبداد و بی‌حقوقی مردم وجود داشته باشد، این فقر، فساد و تبعیض به توان دو وجود خواهد داشت. کارنامه رژیم جمهوری اسلامی در طول ۲۲ سال گذشته که به فقر، فساد و تبعیض ابعاد حیرت آوری بخشیده است، گواه روش این واقعیت است. پس اگر ادعای "رفع فقر، فساد و تبعیض" بعنوان اولویت "اصلاحات" حکومتی پوچ و موهوم است، فرجام ادعای "اصلاحات" نیز هست. درواقع پوشالی بودن ادعاهای "اصلاح طلبان" حکومتی از مدت‌ها پیش برملashده بود. آنها ناتوانی و شکست خود را به همگان نشان دادند و تنها این مانده بود که رسم اوضاع خامنه‌ای را بپذیرند و از ادعای "اصلاح طلبی" دست بردارند. اجلاس سران رژیم جمهوری اسلامی نیز کار دیگری جز این نکرد که ختم "اصلاحات آقای خاتمی و طرفداران او را رسم اعلام کند.

کل دادگستری این بود که اگر این افراد به سازمان زندانها تحویل داده نشده‌اند و اگر این می‌نمهمان در زندان و بازداشت نیستند، پس در کجا هستند؟ وقتی که این سؤال از رئیس خبرنگار روزنامه ایران مطرح شد، رئیس کل دادگستری در پاسخ عتاب آلوخ ندارد که کجا هستند، هر کجا هستند!! برغم وجود ناباوری که در خطوط چهره برخی نمایندگان و پرسشگران به چشم می‌خورد، اما پاسخ رئیس کل دادگستری خیلی روشن و صریح بود: به کسی مربوط نیست! البته از قبل هم معلوم بود که این افراد از بازداشت و زندان معافاند و حتی چنانچه چند روزی را هم در زندان بسر برند و یا حتی محاکمه شوند، سرانجام تبریه می‌شوند و دنبال کار خود می‌روند. نحوه برخورد دستگاه قضائی با این گونه افراد که عملیات آنها از مرکز معینی هدایت می‌شود، قبلاً هم این موضوع را تأثیر کرده بود. جریان قتل‌های سیاسی، حادثه حمله به کوی دانشگاه تهران، حوادث خرم آباد و دهها رویداد ریز و درشت دیگر تابیدی برهمین مسئله بود. مورد ترور حجاریان نیز اگرچه او مشاور رئیس جمهور است، اما از این قاعده مستثنی نیست. بعد ازکلی این دست و آن دست کردن اعلام شد که چند نفر را در این رابطه دستگیر و بازداشت کرده‌اند. اما همین که کمی سرو صدای خوابیده، آنان را دنیال ماموریت‌های جدید تری فرستادند، تا آنجا که یکی از همین افراد که ظاهرا می‌باشند در زندان کراماتشاه باشد در جریان حوادث خرم آباد و سرکوب مردم زحمتکش آن، فعالانه در هدایت عملیات چهارداری مشارکت داشت.

و امادربرابر تمام این اقدامات سرکوبگرانه، جیشه دوم خرداد در تعقیب استراتژی "آرامش فعال" بازهم عقب نشست و مسائل را به سکوت برگزار نمود. اگر که در مورد وقایع خونین خرم آباد، بحث در "مجلس اصلاحات" درنهایت به این خلاصه شده است که اتوبوس حامل دانشجویان در "پل دختر" از حوزه بروجرد (استان لرستان) مورد تعرض قرار گرفته است یا در "پل زال" از حوزه اندیمشک (استان خوزستان)؟! در برابر سخنان آقای رئیس دادگستری نیز حداکثر واکنش این مجلس، آن بود که یک نماینده شکوایه‌ای را به خود مجلس (کمیسیون اصل ۹۰) بنویسد و خواستار روش‌شدن مسئله شود! و بعد هم حداکثر دنبال آن باشد که شاید تبصره مربوط به قانون مطبوعات را عرض کند؟ آنهم بعد از آنکه ولی فقیه بحث در مورد قانون مطبوعات و تغییر آن را به مصلحت نظام ندانسته و پیش از این طی یک فرمان حکومتی، آن را از دستور کار مجلس خارج ساخته است!

این رویدادها نیز بار دیگر این حقیقت را به اثبات میرساند که در حکومت اسلامی نه فقط توده مردم زحمتکش و آزادیخواهان واقعی سرکوب می‌شوند، بلکه دست اندکاران حکومتی در گسترش فضای خفغان و سرکوب، حتی به رقبای خویش که طرفدار این حکومت هم هستند نیز رحم نمی‌کنند و در برابر اقدامات مافیائی و سرکوبگرانه خود، به هیچ کسی هم پاسخگو نیستند!

به کسی مربوط نیست!

وی گفت "امروز پنج، شش مدیر مسئول را احضار کرده بودم و دونشریه امشب توفیق می‌شود" دادستان کل دراین مصاحبه و عده داد که به زودی روابط عمومی دادگستری استان طی اطلاعیه‌ای اسامی و اتهامات نشیریات توفیق شده را اعلام خواهد کرد. فردای همان روز عباسعلی علیزاده رئیس کل دادگستری استان تهران اعلام کرد که دستور توفیق شمار دیگری از نشیریات را صادر کرده است. این پوشش جدید به باقیمانده مطبوعات ظاهرا با این توجیه صورت می‌گیرد که این دسته از نشیریات یعنی نشیریاتی که به صورت هفت‌نامه انتشار می‌یافته اند و اکنون می‌خواهند روزانه منتشر شوند صرفاً به کسب مجوز از هیئت نظارت بر مطبوعات اکتفا کرده اند حال آنکه انتشار آنها "نیازمند استعلام از دادگستری است". رئیس کل دادگستری که برای دیدار با کروبی به مجلس پیرامون ضاربین سعید حجاریان سر و صدا رفته بود تا به آن دسته از نمایندگانی که برای انداخته بودند، پاسخ دهد، در گفتگو با خبرنگاران پارلمانی پیرامون مجوزهای صادرشده از طرف هیئت نظارت بر مطبوعات گفت "ما این مجوزها را قبول نداریم و جلو هر روزنامه‌ای راهنم که به این ترتیب مجوز نشر گرفته باشد خواهیم گرفت" این در حالیست که معاون وزیر فرهنگ و ارشاد که یکی از اعضاء هیئت نظارت بر مطبوعات هم هست، در نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه در مورد این نشیریات استعلام کرده بود. معهذاریس دادگستری به بهانه اینکه نامه خطاب به رئیس دادگستری نبوده است و با انتکاء به تبصره قانون مطبوعات که مجلس پنجم در آخرین روزهای حیات خویش آن را به تصویب رساند، دستور توفیق شمار دیگری از نشیریات را صادر کرد و بدین ترتیب منفذی را که جیهه دوم خرداد هنوز از آن نفس می‌کشد، تنگ تر ساخت.

و اما جالب تر از اقدام و سخن رئیس دادگستری در مورد نشیریات، عکس العمل او در برابر سوالاتی است که پیرامون ضاربین حجاریان مطرح می‌شود. قبل از گفته شده بود که متهمان اصلی ترور حجاریان در بازداشت بسر می‌برند و فردی به نام مجیدی متهم ردیف دوم در زندان عادل آباد شیراز است. اما به دنبال بازدید چند تازه نمایندگان مجلس از زندانهای شیراز و تهران و عدم حضور متهمان در این زندان‌ها، عده‌ای از نمایندگان طرفدار جیهه دوم خرداد، خواستار روش‌شدن موضوع شدند بویژه آنکه مسئولین سازمان زندانها نیز گفته شده بودند این افراد به نزد اینها زیرمجموعه این سازمان تحویل داده نشده اند. آقای رئیس دادگستری که در مجلس حضور یافته بود تا به سوالات خبرنگاران پارلمانی پاسخ دهد می‌گوید "اینکه برخی نمایندگان گفته اند یکی از متهمان در زندان شیراز نبوده است، ماه می‌گوینم بله؛ وی در زندان شیراز نیست چون هنوز حکم اجرا نشده است" و بعد هم چنین اضافه کرد که این متهمان در بازار داشت موقت بوده‌اند! سؤال اصلی از رئیس

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا کانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

I . S . V . W
Postfach 122
Postamt 1061 , Wien
Austria

I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M . A . M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A . A . A
MBE 265
23 , Rue Lecourbe
75015 Paris
France

P . B . 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمائید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس
سازمان فدائیان (اقلیت)
۶۹ - ۵۹۷۹۱۳۵۷

آلمان

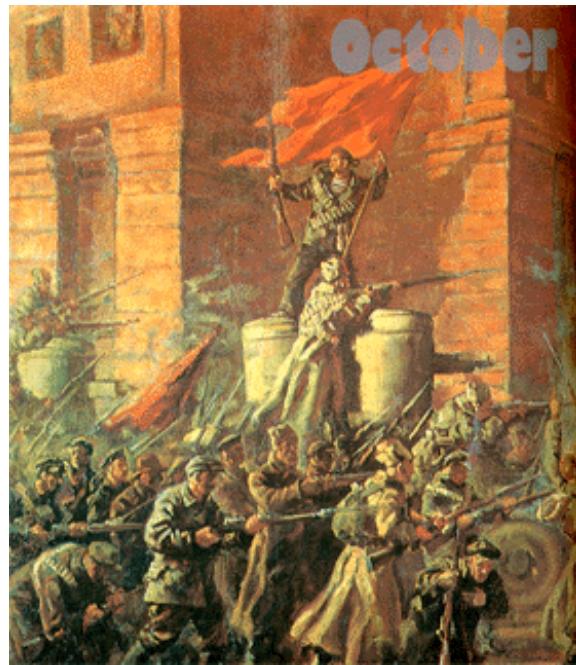
اطریش

دانمارک

سوئد

فرانسه

هلند



تضادهایی که لاینحل مانده بودند با آغاز جنگ جهانی اول، ابعاد نوینی به خود گرفتند. بار دیگر موقعیتی انقلابی پیش آمد. طبقه کارگر که در جریان انقلاب ۱۹۰۵ تجربه و آگاهی بسیار عظیمی کسب کرده بود، این بار با نیروی متراکمتر تعرض خود را آغاز نمود و در جریان انقلاب فوریه ۱۹۱۷ تزاریسم را از پای در آورد و سرنگون کرد. اما سرنگونی تزاریسم به معنای فرامباره نبود. این تنها یک لحظه از روند بلاانقطاع به سوی اهداف سوسیالیستی طبقه کارگر بود. پرولتاریای روسیه برای دگرگونی تمام نظام موجود به پا خاسته بود. معهذا با وجود این که طبقه کارگر روسیه در مقایسه با دیگرگرانهای جهانی پرولتاریا از تجزیه، آگاهی و روحیه رزمندگی بیشتر وبالاتری برخوردار بود و حزب بشویک با اتخاذ یک مشی انقلابی مارکسیستی نقش برجسته ای در ارتقاء مبارزه طبقه کارگر و برپائی انقلاب سوسیالیستی ایفا می نمود، روند رویدادهای واقعی انقلاب نشان داد که هنوز به لحاظ سطح تشکل و آگاهی در موقعیتی نیست که قدرت سیاسی را یکسره قبضه کند. از اینروスト که محصول انقلاب فوریه قدرتی دوگانه بود. در یک سو شورا های نمایندگان کارگران، کمیته های کارخانه، میلیشیای کارگری قرار داشت که تجسم قدرت طبقاتی کارگران بودند. در سوی دیگر قدرت بورژوائی، کابینه بورژوائی در صفحه ۵

در ۲۵ اکتبر (۷ نوامبر) ۱۹۱۷ عظیم ترین طغیان طبقه ستمدیده در سراسر تاریخ بشریت، جهان را به لرزه درآورد. در برابر چشمان حیرت زده پاسداران و اربابان دنیا سرمایه، استثمار، ستم و بردگی نوین، طبقه ای تحت ستم و استثمار برای برآذختن نظام طبقاتی به پا خاسته بود. طبقه کارگر روسیه با یک قیام مسلحانه طبقه سرمایه دار را زاریکه قدرت به زیر کشید و با کسب قدرت سیاسی، انقلاب سوسیالیستی را آغاز کرده بود. این انقلاب از آن رو در روسیه رخ داد که شرایط داخلی و بین المللی وقوع انقلاب در این کشور مساعدتر از هرجای دیگر بود. از اوائل قرن بیستم که سرمایه داری جهانی به مرحله انحصارگام نهاده بود، تضادهای این نظام به چنان درجه ای از رشد و حدت خود رسید که شرایط عینی انقلاب اجتماعی را در مقیاس جهانی فراهم نمود. اما رشد نامزون تکامل اقتصادی - سیاسی جهان سرمایه داری سبب شد که روسیه به کانون همه تضادهای نظام سرمایه داری تبدیل شود. از این رو شرایط عینی انقلاب در روسیه آمده تر از هرجای دیگر بود. انقلاب ۱۹۰۵ روسیه که نیروی فعال و رهبری کنده آن طبقه کارگر بود، این واقعیت را مدت‌ها پیش از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ نشان داده بود. این انقلاب پیش در آمدی برانقلابات ۱۹۱۷ بود. شکست انقلاب ۱۹۰۵ تنها لحظه ای کوتاه در عقب نشینی پرولتاریا و انقلاب بود.

انقلاب**سوسیالیستی****اکتبر****همچنان****الهام بخش ماست**

نشانی سازمان بر روی اینترنت:
<http://www.fedaian-minority.org>

KAR Organization Of Fedaian (Minority)
No. 344 nov 2000